

پیام سندیکا

پیام سندیکا

پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیکایی در راستای شکل و آگاهی برای کارگران

شماره ۹۳ / سال نهم / مهر ماه ۹۹ / نشریه سندیکاهای کارگری ایران



ماهنامه نشریه پیام سندیکا، پیام آور سندیکاهای کارگری ایران شماره ۹۳

مهرماه ۱۳۹۹ در ایران بصورت چاپی و الکترونیکی منتشر شد.

در این شماره می خوانید:

۹ سالگی پیام سندیکا نادانان! ص ۱

اطلاعهای سندیکاهای کارگری ص ۲

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور ص ۸

تجمع اعتراضی ۱۵ شهریور یازنستگان تامین اجتماعی ص ۲۸

تامین اجتماعی در اسناد سازمان ملل متحد ص ۳۲

وضعیت سهام شستا در بورس چگونه است؟ ص ۳۳

نشریه امید منتشر شد! ص ۳۴

ایمنی موضوعی فراموش شده! ص ۳۵

تئوئیر الیسم و کشاورزی! ص ۳۶

گرانی و ارزانی ۲۸

تلخ و شیرینهای کازیم عاشقی ص ۳۹

گفتش مشکلی! ص ۴۱

دو خانوادهای که در یخچال و حمام زندگی می کنند! ص ۴۲

تفرین زن مظلوم ص ۴۴

امروز روز پزشک است! ص ۴۵

درسامه (۳) ص ۴۶

برای اطلاع از دیدگاههای ما می توانید به سایت دو زبانه سندیکای

کارگران فلز کار مکانیک ایران به آدرس sfelezkar.com و کانال رسمی

سندیکا در تلگرام به آدرس

=کانال رسمی سندیکای کارگران فلز کار مکانیک ایران

مراجعه کنید



# پیام سندیکا

ماهنامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری

ایران کاری از کارگران سندیکایی

ایران، بر اساس منشور جهانی

سندیکاهای کارگری در راستای

تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر

۱۳۹۰/چاپ تهران

(چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلز کار مکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه ای

<http://vahedsyndica.com>

[vsyndica@gmail.com](mailto:vsyndica@gmail.com)

[s\\_felezkar@yahoo.com](mailto:s_felezkar@yahoo.com)

[gmail.com@sfelezkar1961](mailto:gmail.com@sfelezkar1961)

[www.sfelezkar.com](http://www.sfelezkar.com)

[irunionmessenger@gmail.com](mailto:irunionmessenger@gmail.com)

## ۹ سالگی پیام سندیکا شادباش!

۹ سال پیش در ۱۰ مهر ۱۳۹۰ نشریه پیام سندیکای امروز، پا به عرصه تاریخ روزنامه نگاری میهن کارگرمیان گذاشت تا صدای رسایی باشد برای طبقه زحمتکش. این نشریه که بیشتر جنبه آسیب شناسی جنبش سندیکایی را مد نظر قرار داده بود، در روند پویایی خود به نشریه ای آموزشی، اجتماعی، خبری، فرهنگی تبدیل شد و آنچه امروز منتشر می شود دسترنج بیش از ۳۰ کارگری است که در طول این سالها نشریه را به چنین شکلی در آوردند. تلاش ما برای انعکاس وضعیت زنان کارگر، کودکان کار، دانشجویان این کارگران فردا همچنان در سر لوحه تلاش هایمان قرار دارد. پخش نظرات سندیکاهای برادر و اخبار آنان از همان روزهای آغازین از مهمترین کارهای نشریه به حساب آمد. امروز وقتی به راه طی شده نگاه می کنیم، خرسندیم که به صدای زحمتکشان میهن مان تبدیل گشته ایم و در جای جای کشورمان خوانده می شویم و در خانه های کارگران جزیی از زندگی شان شده ایم.

نمی توانیم از مشاوره های راهگشایانه محمدحسین خوان یغما پیشکسوت سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران در دهه ۴۰ و زنده یاد رضا فراهانی کنگرانی یاد نکنیم. عزیزانی که آرمان کارگری چون خون در رگ هایشان بوده و هست.

از همه کارگرانی که در پویایی این نشریه با ما بودند و امروز نیستند سپاسگزاریم و کارشان را ارج می نهیم. امید که بتوانیم روزهای روشنی را برای زحمتکشان ایران به ارمغان بیاوریم و دهمین سال انتشارش را در کنار هم و در روزهای بهتری جشن بگیریم.

هیات تحریریه پیام سندیکا ۱۰ مهر ۱۳۹۹



## فیلسوف و جامعه‌شناس طبقه کارگر به تاریخ پیوست!

منوچهر آشتیانی، مترجم و استاد پیشکسوت علوم اجتماعی و فلسفه که دلش با آرمان‌های طبقه کارگر از نوجوانی پیوند خورده بود، دیروز درگذشت و نام نیکی در حوزه علوم اجتماعی از خود به جای گذاشت. این استاد دانشگاه چپ‌گرا، هیچگاه از آرمان‌های کارگری خود فاصله نگرفت و آنچه آموخت را در این راه به کار برد. کتاب «کارل مارکس و جامعه‌شناسی شناخت» که به چاپ دوم نیز رسید، موید نظر ماست. در دیداری که اعضای سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران در نوروز ۱۳۹۶ با ایشان داشت ضمن گفتگو درباره محدودیت‌های نظری در تبلیغ آرمان‌های کارگری، ایشان یک جلد کتاب «کارل مارکس و جامعه‌شناسی شناخت» را به کتابخانه سندیکا هدیه کرد تا دین خود را در این زمینه به بخش آموزشی سندیکا ادا کرده باشد. او به راستی مصداق این شعر است: حنا وقتی که نیستی،

روبروی ما ایستاده‌ای

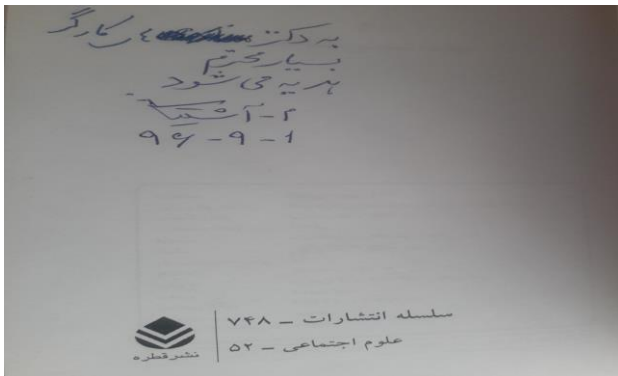
چراغ را در تاریکی بالا گرفته ای

و راه را به ما نشان می دهی

به باور ما دکتر آشتیانی نیست نشده است، او در عمل اجتماعی خود زنده است و کتاب هایش با ما سخن می گوید.

## سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۱۰ مهر ۱۳۹۹



## ادامه فشار و بازجویی بر کارگران هفت تپه تنها آتش خشم و اعتراض ما را بیشتر می‌کند!

در پی شکایت کارفرمای اختلاسگر هفت تپه تعدادی از کارگران هفت تپه برای بازجویی شدن و مورد تهدید قرار گرفتن به پاسگاه انتظامی هفت تپه احضار شده‌اند.

امروز نیز قرار بوده است عظیم کثیر و قاسم کثیر به پاسگاه مراجعه کنند. در روزهای قبل هم محمد امین حجازی، محمد عبدالخانی، میلاد لطیفی، رحیم حمدانی از کارخانه و احمد شلاگه از بخش کشاورزی-غیرنیشکری به پاسگاه احضار شده‌اند.

احضاریه صادر شده برای این همکاران، آنها را به عنوان مطلع فراخوانده است اما وقتی به پاسگاه مراجعه کردند به آنها گفته‌اند که شما در راه اندازی اعتصاب نقش داشته‌اید. یعنی به عنوان مطلع احضار می‌شوند و چون هیچ مدرکی دال بر هیچ جرمی از آنها ندارند از فرصت استفاده می‌کنند و در محل پاسگاه آنها را بازجویی و تهدید می‌کنند. در واقع بدون هیچ جرمی و بدون هیچ مدرکی این همکاران را احضار کرده‌اند. سوال این است که حتی اگر کارگری اعتصاب کند به کدام جرم باید محاکمه شود؟ چرا اسدببگی را دستگیر می‌کنند که بزرگترین اختلاس مملکت را کرده است اما حاضر نمی‌شوند این را اعلام هم کنند؟

جنایت‌های اسدببگی و عوام‌لش‌کماکان ادامه دارد اما کارگران معترضی که برای حقوق قانونی و بدیهی و انسانی خود معترضند تحت فشار و پیگرد قرار می‌گیرند.

ستوان دوم ولی اله بهاروند که احضارنامه ها را صادر کرده، بهاروند رئیس نیروی انتظامی، دادستان-نظری و رئیس دادگستری که دست در اختلاس و رشوه دارند برای کارگران هفت تپه پرونده سازی می کنند. پاسگاه انتظامی هفت تپه به کلانتری اختصاصی خاندان فاسد اسدبیگی تبدیل شده است. به جای حفظ امنیت منطقه و شرکت، برای سرکوب کارگران دست به هر کاری میزنند.

نمایندگان تونیتتر باز مجلس، امام جمعه لاف زن اهواز که گفت نمی گذارم کارگران را اذیت کنند، رئیس قوه قضائیه که گفت دست فاسدان را قطع میکنم اما الان کارگران را به صلابه می شکنند، دولت و همه مسئولین، یکپارچه با این فاسدان اختلاسگر همراهی کامل میکنند.

ما اعلام می کنیم که از همکاران خود حمایت کامل میکنیم و اعلام می کنیم که برای اعتصاب، نه با تصمیم یک نفر یا ده نفر بلکه به صورت دسته جمعی وارد میدان می شویم. حق مسلم و قطعی ما است که اعتصاب کنیم و حق ماست که فاسدان را از شرکت و منطقه بیرون کنیم و هیچ نیرویی نمی تواند جلوی این حق خواهی ما را بگیرد. کارگران هفت تپه از این بازی های فاسد شما نمی ترسند و تسلیم نخواهند شد.

لغو فوری خصوصی سازی باید به سرعت انجام شود.

منتظر اعتراضات و اعتصاب گسترده تر باشید.

**جمعی از کارگران هفت تپه از بخش های مختلف**

**چهارشنبه - ۹ مهر ۱۳۹۹**

## ##نه\_به\_گرسنگی!

### پیروزی هر کارگر، پیروزی همه کارگران است!

طی ۴۰ روز کارگران پروژه ای توانستند در سراسر ایران به کمپین ##نه\_به\_گرسنگی پیوسته و شرکت های سوذجو را زمین گیر کنند. دستاورد های این کمپین هم برای کارگران و هم برای خانواده هایشان بسیار با اهمیت است: ۱- کارگران به قدرت خود واقف شده و متوجه شدند که اگر کار نکنند هیچ سودی وجود نخواهد داشت. آنها به خود و به قدرتشان ایمان آوردند. آنها متوجه شدند کارفرماها نمی توانند به جای ما کار کنند و داربست بسته و فیلتر کنند و جوش بدهند و عایق کاری و برقکاری انجام بدهند. چرا که اگر می توانستند تاکنون کرده بودند. ۲- برای اولین بار در ایران ۲۵ هزار کارگر به صورت هماهنگ پشت به پشت هم داده به تحمیل کنندگان گرسنگی نه گفتند و راهی خانه هایشان شدند. هر چند فناوری این امکان را به آنها داد تا از برادران خود در پروژه های دیگر بخواهند به آنها پیوسته و حامی شان باشند. ۳- از بوشهر در جنوب ایران تا ارومیه در شمال، خراسان در شرق و ایلام در غرب تا مرکز ایران، تهران و اصفهان، کارگران یکصدا همنا شده به هم اتکا کردند. تا امروز بیش از آنچه ما می پنداشتیم شرکت ها مجبور به گردن گذاشتن به خواسته های کارگران شدند. از پتروپالایش خبر می رسد که پنجم هر ماه حقوق کارگرانی که همیشه ۴ ماه عقب می افتاد، تسویه می شود. در کارگاههایی حتی کارفرما مجبور شده است حقوق ها را هفته ای با کارگران تسویه کند. و مهمتر اینکه جایی نیست که حقوق کارگران افزایش نیافته باشد ۴- اعتصاب و اعتراض ۲ سال پیش کارگران در سه راهی عسلویه درست است که به شکست کشیده شد و ۴ تن از برادرانمان دستگیر و روانه زندان گردیدند اما امروز همه آن ۱۵۰ کارگر که در آن روز در سه راهی عسلویه



گرد آمده بودند و بیش از ۵۰۰ کارگری که آن روزها با عقاید و راه و روش کارگری ما آشنا شدند، نتیجه اعتراض خود را امروز می بینند و از آن مبارزه و این اعتصاب خود خرسندند. ۵ - برای اولین بار خانواده های کارگری در خانه مردی را مشاهده کردند که سرافرازانه برای سفره خانه اش و آینده فرزندانش می جنگد. همسران کارگران اعتصابی نیز مشوق آنان برای گرفتن حق خود شدند و به یاری همسرانشان آمدند. در هر کوی برزن، در هر روستا، در هر شهر و گردهمایی خانواده های کارگری بحث اعتصاب پیچید. از ایزه تا نخل تقی، محله و مردم از این اعتصاب می گفتند. همراهی بخشی از فروشندگان مواد غذایی با خانواده های کارگری کم نظیر بود و به آنان پیغام دادند: «باکتان نباشد، هرچه می خواهید بیاید بخرید»

برادران کارگر، ما نه تنها حق خود را گرفتیم بلکه مردم ایران را با واژه اعتصاب آشنا و آشتی دادیم. البته تتی چند از دوستانمان بلک لیست شدند، تتی چند احضار شدند، اما این برادران نیز خرسندند که هزینه ای که داده شده در مقابل اتحاد و افزایش حقوق ها بسیار کوچک است.

ایران سرزمین کارگری ماست و در آبادانی و شکوفایی اش، که جز بهبودی وضعیت زحمتکشان نیست، می کوشیم.

**پیروزی هر کارگر، پیروزی همه کارگران است!**

**متحد باشیم و استوار. کارگر برادر کارگر!**

**-سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران**

**-کارگران پایپینگ و اکیپ پروژه ای ها**

## گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



### گزارش خبرنگار پیام سندیکا از ذوب آهن



شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان

#### ۱- مشکلات کارگران ذوب آهنی چرا رفع نمی شود؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با توجه به وضعیت خوب مالی ذوب آهن اما مدیریت همچنان از رفع مشکلات کارگری شانه خالی می کنند. از جمله رفع کمبود نیروی انسانی در بخش نظافت شرکت که با وجود بیماری کرونا دو چندان شده است. کمبود شدید نیرو در انبارهای ذوب آهن که باعث طولانی شدن زمان تحویل لوازم در انبارها گردیده و موجب اتلاف وقت کاری می

گردد. حتما مدیریت ذوب آهن از تبدیل وضعیت کارکنان فصل ۱۶ خودداری کرده است. سالهاست مدیریت ذوب آهن از استخدام نیرو در بخش های مختلف ذوب آهن خودداری کرده و فشار کاری را بر روی کارگرانی که مشغول کارند انداخته است. این درحالی است که ذوب آهن در سال گذشته ۱۰۰ درصد سود کرده است اما نمی خواهد مشکلات کارگری را حل کند.

## ۲- ذوب آهن به همه کارگانش شیر نمی دهد!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، از سه سال پیش تاکنون مدیریت ذوب آهن اقدام به قطع شیر سهمیه ای کارگران ذوب آهن نموده است و این فقط در راستای سودجویی و بی اعتنایی به سلامت کارگران و کارکنان ذوب آهنی است. مدیریت ذوب آهن معتقد است شیر باید به کسانی داده شود که: «بر اساس شاخص های بیماری زایی افراد و براساس لیست ارایه شده توسط مدیریت سازماندهی می شود». خاصیت دادن شیر به همه کارکنان ذوب آهن برای پیشگیری از آلودگی های ناشی از بخارات و هوای مسموم بوده است نه بر اساس سلیقه و یا بیماری زایی. شیر نیز مانند کفش کار و یا لباس کار، یکی از بخش های کوچک دستمزد است که باید توسط کارفرمایان رعایت گردد.

## ۳- سود ذوب آهن کجا هزینه می شود؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت ذوب آهن اعلام کرد: «میزان درآمد ناشی از فروش داخلی و صادرات این شرکت فقط در مردادماه امسال نسبت به سال گذشته ۴۱ درصد افزایش سود داشته است» این در حالی است که کارگران می گویند: ۱- چرا مازاد سقف اضافه کاری کارکنان به جای هم شیفت حذف شده است؟ ۲- رسیدگی به مشکلات تاسیساتی و تعویض شیرآلات فرسوده قسمت های مختلف کارخانه سالهاست به تعویق می افتد؟

کارگران به جا و دقیق می پرسند سود ذوب آهن کجا هزینه می شود؟

#### ۴- سود زحمت کارگران ذوب آهنی به کجا می رود؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، مدیریت ذوب آهن اعلام کرده است: «سود یک هزار و ۴۷ میلیارد ریالی تاسیکو که زیر مجموعه صدر تامین و از شرکت های سازمان تامین اجتماعی است فقط در مردادماه این مقدار بوده است» این سودها نه تنها در دستمزدهای کارگران ذوب آهنی دیده نمی شود، بلکه برای نوسازی ابنیه شرکت نیز هزینه نمی شود. از سوی سازمان تامین اجتماعی هم مرتب از ورشکستگی می نالد. کارگران می پرسند قسم حضرت عباس را باور کنیم یا دمب خروس را؟ چرا مدیریت سازمان تامین اجتماعی و مدیریت ذوب آهن بطور شفاف اعلام نمی کنند این سودها در کجا هزینه می شود؟

#### ۵- خلاقیت کارگران ذوب آهنی و ناخن خشکی مدیریت!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در شهریورماه امسال بدون حضور کارشناسان آلمانی کارگران و تکنسین های زحمتکش ذوب آهنی ریل uic ۶۰ (ریل اصلی دنیا) را در این شرکت به تولید انبوه رساندند و همچنین تعمیرات اساسی سالیانه آگوماتسین شماره ۴ نیز با موفقیت انجام شد. اینها نمونه های کوچکی از خلاقیت کارگران ذوب آهنی است که باعث صرفه جویی در هزینه های شرکت گشته و باعث سود ۴۱ درصدی فقط در مردادماه گردیده است. اما نصیب کارگران ذوب آهنی ناخن خشکی مدیریت و وضعیت نابسامان ابنیه و ماشین آلات و وضعیت بد درمانی و دستمزدهایشان است. بگذریم از اینکه شرکت از استخدام کارگر هم ساهاست خودداری کرده و فشار کاری دو برابری را به کارگران تحمیل کرده است.

متاسفانه شفاف سازی اینکه این صرفه جویی ها و سودها چه بلایی سرشان می آید نه تنها در ذوب آهن بلکه در هیچ ارگان دیگری دیده نمی شود.

## اخبار کارگران پروژه ای



### ۱- برای کارفرمایان شیاد کار نکنیم!

سالهاست کارفرمایان پس از اتمام کار کارگران را روانه خانه کرده و باقی پول کارگران را به جیب می زنند و خود را زرنگ هم حساب می کنند. به این پیام های کارگری دقت کنید:

۱- سال ۹۴ پیش نوزد سلحشور کاردمه هنوز پولمو نداده، میگم پولمو بده میگه شرکت نداده پولی هم نباید بدمت ۲- سال ۹۶ پیش پیمانکاری محمدعلیخونی بچه ایزه کار کردم پولمو نمیده جواب تلفن هم نمیده. ۳- سال ۹۳ پیش محمد آقاسی کار کردم ۳۲۰۰ اون موقع ازم خورد. بی شرف شمارمو گذاشته تو لیست رد تماس گوشیش جواب نمیده ۴- پیمانکار پایپینگ فرهادلیموجی و محمدلیموجی ساکن فولادشهر پارسال نیروگاه برق ساوه کار کردم ۷ میلیون از پولم ندادن. زنگم میزنم جواب سربالا میده میگه ندارم. ۵- ایرج محمدی تو پتروشیمی تندگویان کار میکنه و نیروی قراردادی هست. دوستان فریب این شخص دزد و بی شرف رو نخورید ۵ میلیون از من سال ۹۵ خورد به خاطر اینکه قرارداد نداشتم.

این افراد از طرف سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران و گروه پایپینگ و اکیپ پروژه ای ها تحریم کارگری هستند و کسی برای این شیادان کار نکند.

## ۲- وضعیت کرونا در پروژه ها!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در پتروشیمی سبلان اکثر کارگرها و حتا مسوولین به بیماری کرونا مبتلا شده اند. ولی مدیریت به بهداری دستور داده اعلام نکنند. کارگران گروه گروه به بیمارستان شهر رفته و دیگر باز نمی گردند. حتا برای تست کرونا واقعی هیچ اقدامی نمیشود. ازطرفی دستور استخدام انبوه کارگر داده اند تا از این طرف که کارگران به دلیل کرونا می روند از اون طرف جایگزین بشود و کار نخوابد. مدیریت پتروشیمی باید پروژه را تا آخر مهرماه تکمیل کرده و تحویل بدهد. متاسفانه مدیریت به جای افزایش ملاحظات شهبهداشتی علیه کرونا فقط کارگر استخدام می کند. جان کارگران برایشان ذره ای اهمیت ندارد.

## ۳- کارگران پروژه ای توجه کنند؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در پتروشیمی سبلان حقوق های کمپین اجرایی شد. شادباش به همه کارگران و پیروزی هر کارگر پیروزی همه کارگران است چرا که هر سفره ای اگر خالی باشد سفره منم خالی خواهد شد.

اما دوستان کارگر پروژه ای هوشیار باشند که ممکن است پیمانکار از شما بخواهد که از حقوقی که برایتان واریز میشود نصفش را برایم واریز کنید. شرکت ارسلان توسعه فاز ۱۳ این کار کرده است. این کار را انجام دهید بعد از اتمام کار به بانک رفته پرینت حساب را بگیرید و با مراجعه به مراجع قضایی از پیمانکار طرح شکایت کنید. به غیر از پولی که برایش فرستاده اید عیدی و سنوات خود را نیز دریافت کنید. این کار پیمانکار مصداق پولشویی هست و مجازات سنگینی دارد.

## ۴- پیمانکاران شیاد را رسوا کنیم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، نامه زیر را کارگر زحمتکش اصغر غیبی برای ما فرستاده است:

سلام به همه دوستان عزیز، برادران من اصغر غیبی فیتز گالوانیزه و مایتر کار هستم. چندماه بیکار بودم با چهار بچه مدرسه رو. بالاخره ماه پیش یکی از دوستانم شماره تلفن آقایون سلطانی و کابلی که پیمانکار شرکت سیمین سپاهان بودند و در کارگاه ایستگاه راه آهن کار گرفته بودند را به من دادن برای کار. رفتیم یک ماه کار کردیم ولی کار تعطیل شد. پنج روز ماندیم توی خوابگاه برای گرفتن دستمزدمان. در نهایت ۲۵۰ هزار تومان برا کرایه از تهران به خوزستان داده و گفتند دو روز دیگر برایتان میفرستم. الان چند روزی است که تماس میگیرم هی امروز و فردا میکنند. خدا شاهده امروز از طرف شرکت آب آمدند که آب خانه ام را قطع کنند. با یه بدبختی دو سه روز فرصت گرفتیم. آقایون داداشام، برادران عزیزم، برای این جور بی شرف ها کار نکنید. پیمانکار یا شرکتی که نمیتونه دوماه حقوق کارگراش را بده چرا باید کار بگیره؟؟؟

این پیمانکار شاید را هر جا دیدید به ما خبر دهید تا رسوایش کنیم.

### سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

#### گروه پایپینگ و اکیپ پروژه ای ها

#### ۵- پیمانکارانی که حقوق کارگران را نقض می کنند را بشناسیم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، پیمانکاری بنام هوشنگ کیانپور حقوق جوشکاران و بقیه نیروها را مدتی بعد از کمپین دوباره به صورت قبل باز گردانده است. این پیمانکار که در فاز ۲ و ۳ مشغول کار است برای جوشکار فول ارگون دستمزد ۷ میلیونی منظور کرده در حالی که بعد از کمپین سراسری افزایش دستمزدها ۱۰ میلیون کرده بود. الان فیتز زده ۸ میلیون که قبلن ۱۰ میلیون بوده، کمکی ۵ میلیون زده بود حالا کرده ۴ میلیون.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران و گروه پایپینگ و اکیپ پروژه ای ها به ایشان اخطار می کند هرچه زودتر دست از این شیدای بردارد وگرنه با برخورد سخت ما و کارگران پروژه ای روبرو خواهد شد.

کارگران هوشیار باشند و این گونه تخلفات را به ما گزارش کنند تا با افشای این نامردان آنان را در صورت پافشاری بر اعمال غیرانسانی خود تحریم کارگری کنیم.

## ۶- اردوگاه کار اجباری پتروصنعت شهیدرجایی!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، پیمانکاری پارس فنون یا همان کیانپور به کارفرمایی پتروصنعت شهیدرجایی در فاز ۲ و ۳ عسلویه با ۱۲۰ کارگر، شیدای جدیدی را آغاز کرده اند. اول کارگر را با حیلۀ به سرکار کشانده بعد از ۱۰ روز به بهانه های مختلف زیرتمام قول و قرار دادهای می زنند. اول می گوید حقوق فیترا ۸ میلیون است ولی باید ۱۰ روز کار کنی تا معلوم شود چقدر ماهری ولی بعد از ۱۰ روز می گوید حقوق شما ۶ میلیون نیم است. در این کارگاه به کمکی ۳۶۰، جوشکار فول ۶ ونیم، مونتاژکار هم ۵ ونیم حقوق می دهند. خوابگاه افتضاح است. اتاق هایی که ظرفیت دونفر را داراست تا ۶ کارگر مجبورند که داخلش زندگی کنند. اولش می گویند اینها چند روز مهمان هستند ولی میشوند دایمی. غذا آشپزخانه واقعا غیرقابل خوردن است. بعد از ۱۱ ساعت کار یک غذای سرد و بی کیفیت منتظر توست تا او را بخوری که اکثرا از خوردن آن خودداری می کنند. برای ۱۲۰ نیرو فقط ۶ تا حمام و ۶ تا دستشویی و توالت گذاشته اند. بعد هم ساعت ۹ شب که به خوابگاه می روی بوی شدید فاضلاب دستشویی ها داغانت می کند.

زمان کار ۱۱ ساعته است و اکثرا کارگران را بعد از ۱۱ ساعت کار با زور اضافه کار نگه می دارند. حتا اکثر جمعه ها هم باید بایستی و کارکنی. اعتراض هم بکنی چند تا از اقوام و آشنایان با ۳۰۰ هزار تومان بیشتر حاضرن تو را قصابی کنند. اینجا عسلویه نیست اردوگاه اجباری کار است.



## گزارش اعتصاب در پروژه های نفتی!

**##نه\_به\_گرسنگی! خواستن توانستن است!**

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، ۳۳ مین روز اعتراض سراسری برای دستمزدهایی عادلانه ۱۲ شهریور ماه همچنان ادامه داشته و پیروزی چهره خود را نشان می دهد: ۱- در پتروشیمی سبلان حقوق ها را افزایش داده اند. ۲- کارگران شاغل در پالایشگاه آبادان که تا همین امروز زحمت کشیده و مردانه اعتصاب کردند، هوشیار باشید که بعضی از شرکت ها طبق دستمزدهای اعلامی کمپین با نیروها قرارداد می بندند ولی یکی دوتا از پیمانکارها میخوانند با گول زدن کارگران یک میلیون تا دومیلیون زیر حقوق کمپین و حقوقی که بقیه شرکت ها قرارداد بسته اند با عیدی و مزایا کارگر را وادار به امضای قرارداد کنند.

**##نه\_به\_گرسنگی! هنوز متحدیم و متحد می مانیم!**

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، ۳۵مین روز اعتراض سراسری برای دستمزدهایی عادلانه در ۱۴ شهریور ماه همچنان ادامه دارد. کارفرماها و پیمانکاران ضربه سختی از اعتصاب هماهنگ کارگران خوردند و به همین خاطر از گذاشتن آگهی کار در گروههای کارگری خودداری می کنند چون می دانند: ۱- کارگران در این گروهها با هم متحد شده و کمتر از قیمت مصوب کمپین کار نخواهند کرد ۲- نمی خواهند این گروهها رشد و اعتبار بیشتری بیابند.

کارفرماها با تمام جان سختی که نشان دادند اما مجبور گشته اند حقوق ها را بالا ببرند. در پروژه هایی که برادران کارگرمایان هم به ما نپیوستند و چون بره ای کار کردند هم افزایش حقوق انجام شد، تا این برادران به ما نپیوندند که این هم پیروزی ماست. هر نانی که به سر سفره هر خانواده کارگری برود پیروزی کارگران است. برای کارگران بختیاری، لر، کرد، ترک، عرب، فارس، گیلک، مازنی، ترکمن، آذری، یزدی، کرمانی، اصفهانی و شیرازی... همه

برادریم و همدیگر را در هیچ کجا تخریب نمیکنیم. کارگر برادر کارگر است و خانواده او را خانواده خود می داند. اعتصاب ما باعث شد که بخشی از پیمانکاران هم نفع برده و قراردادهای خود را با قیمت جدید تجدید کنند تا بتوانند حقوق ها را بالا ببرند.

## #نه\_به\_گرسنگی! دست شیدان را کوتاه می کنیم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، ۳۶مین روز اعتراض سراسری دستمزدهایی عادلانه در ۱۵ شهریور ماه همچنان ادامه دارد و شیدای کارفرمایان هم تمامی ندارد. با توجه به ضربه ای که پیمانکاران و شرکت ها از اعتصاب کارگران خورده اند، بخشی به طمع افتاده اند تا روحیه کارگران را خراب کرده و آنان را وادار به کار با قیمت کم کنند تا به بی شرافتی خود ادامه دهند. به عنوان نمونه به این آگهی کار توجه کنید: «دعوت به همکاری دیپلم و فوق دیپلم مکانیک برای تست من مخازن اکسیژن - لیسانس و فوق لیسانس مکانیک برای دفتر فنی - اپراتور دستگاه تراشکاری - جوشکار کمکی و تک زن و فول تست - نیروی فنی در زمینه مونتاژ کاری - نیروی پایبینگ. لطفاً با شماره ۰۲۱۳۳۵۰۳۱۹۵ داخلی ۲۰ آقای شیروانی هماهنگی گردد»

کارگر را به شهرک صنعتی کمشچه اصفهان می کشانند بعدش را از زبان کارگر بشنوید: «بهم زنگ زدن گفتن که فیتز نیاز داریم بعد پرسید مدرک داری گفتم بله لیسانس مکانیک دارم بدرد میخوره؟ گفت بله. الان امد اصفهان. بهم گفتن باید ورق مونتاژ کنی گفتم مونتاژ کار ورق کار دیگه ای هست من فیتزم. میگه فیتز داریم برامون مونتاژ هم میکنه. یک ماه برامون کارکن آگه خوب بودی کارکن وگرنه تصفیه n.گفتم حقوق چند؟؟ گفت آخرین جایی که بودی حقوقت چقدر بود؟ گفتم ۲۴ روز ۴۵۰۰ می گرفتم اما با اضافه کاری و عیدی سنوات ۷ میلیون دریافتیم بود گفت ما روزی ۱۷۰ تومن بهت میدیم. گفتم نه نمیخوام حقوقتون خیلی کمه. به شیروانی زنگ زدم گفتم آقا شما آگه مونتاژکار مخزن میخواید باید بگید نه اینکه بگید فیتز می خوام بعدش نفر بیاد بگید با ورق مونتاژ کنید. گفت چه عیبی داره یک کار دیگه یاد بگیری.گفتم خودت میدونی و خدا این قدر هزینه کردم. وقتم هدر دادی. گفت شما کارکن نیستید

داخل شهر به این خوبی کار کنید گفتیم من خودم بزرگ شده اصفهان آنقدر هم شهردندون گیری نیست وقتی بهش گفتیم خیر نبینی زورش آمد تلفن قطع کرد»

هوشیار باشیم. قبل از رفتن به محل آگهی باید مشخص شود کار چیست و چقدر حقوقش است تا ببخودی علاف چنین نامردهایی نشین. اینگونه شیادی ها را به ما خبر دهید تا این بی شرافتان را رسوا کنیم.

## #نه\_به\_گرسنگی!

امروز ۱۹ شهریور ۴۰مین روز اعلام کمپین علیه دستمزدهای فقیرانه و اجحافات کارفرمایان است. چهل روزی که کنار هم ایستادیم و از حقوق کارگریمان دفاع کردیم. ۴۰ روزی که متوجه شدیم قدرتمان تا چه حد است که هیچ پیچی در سراسر پروژه های ایران به خواست ما بسته نشد، هیچ داربستی علم نگردید، هیچ لوله ای جوش نخورد. اما هنوز بخشی از کار را انجام دادیم و باید برای مابقی خواسته هایمان باز هم تلاش کنیم. طی پنج مرحله از کمپین ها با همکاری بسیاری از نیروهای زحمتکش و با غیرت پروژه خوشبختانه به موفقیت تقریبی ۸۰ درصدی رسیدیم. کارفرمایان و پیمانکاران دیگر می دانند حق کارگر را نمی توانند چپاول کنند. دیگر کارگران به خوابگاههای پرازدحام و کثیف نخواهد رفت، سرویس های بهداشتی کثیف را تحمل نخواهند کرد، غذای بی کیفیت را پس خواهند فرستاد تا مانند انسان در پروژه ها کار و زندگی کنیم. از امروز هر جا و در هر پروژه دیدید که حقوق، بیمه، خوابگاه، غذا، سروی و یا دیگر شرایط کار وضعیت نا به سامانی دارد سریعاً با دوستان خود مشورت کنید، اتحاد داشته باشید و دست از کار کشیده و اعتصاب کنید تا متصدی کار شرایط کارگاهش را برایتان درست فراهم سازد. اخبار و شرایط کاریتان را برایمان بفرستید تا پاریگر شما باشیم. سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران و گروه پاپیینگ و اکیپ پروژه ای ها همچنان در کنار شماست. کافی است دستتان را دراز کنید تا در هر پروژه های دستان قدرتمند برادرانتان را در دست های خود داشته باشید. به امید ساختن روزهای بهتری برای فرزندانمان. درود بر برادرانمان در بوشهر، ایلام، ارومیه، خراسان، تهران، اصفهان، کنگان، نخل تقی ...

**##نه\_به\_گرسنگی!**

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با توجه به آگاهی کارگران از قدرت خود امروز ۲۲ شهریور کارگران داربست بند شرکت گاما به دلیل افزایش نیافتن حقوقشان و عدم پرداخت حقوق بر مبنای کمپین ۵ ام همگی دست از کارکشیده و قراردادهایشان را تسویه کرده و راهی خانه شدند. این آموزشی است که هر کارگری باید یاد بگیرد: «اگر برای من کار کردن جز برده گی سودی ندارد دلیلی برای کار نیست. من بیکار می شوم اما شرکت بیشتر از من ضرر خواهد کرد»

از همه برادران داربست بند می خواهیم این شرکت را تحریم کرده تا برادرانشان بتوانند خواسته های خود را به شرکت تحمیل کنند.

**کارگر برادر کارگر پیروزی هر کارگر پیروزی تمام کارگران**

**متحد باشیم!**

تا ما نخواهیم هیچ پیچی بسته نمی شود و هیچ خط لوله ای در پروژه ایجاد نخواهد شد. کار می کنیم برای آسایش خانواده مان، نه برای شرمندگی پیش آنها. کارفرماها نمی توانند به جای ما کار کنند و داربست بسته و فیلتر کنند و جوش بدهند و عایق کاری و برقکاری انجام بدهند. چرا که اگر می توانستند تاکنون کرده بودند. پس بیایید زحمات خود را ارزش گذاشته با حقوق و شرایط مصوب کمپین سرکار برویم.

**کاندر این راه بیابان دراز**

**چشم دارد بر شما غولی سیاه**

**می ربايد بوسه ها تان را ز لب**

**می کند گل خنده ها تان را تباه**



## ۱- کارگران ایران خودرویی در چرخه بی تدبیری گرفتارند!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، تبدیل وضعیت ۱۵۰ کارگر بدنسازی به تاخیر افتاده است و کارگران بلا تکلیف مانده اند. از طرفی دیگر صد کارگری ریخته گری با بیش از ۲۰ سال کار و بعد از جمع آوری سالن ریخته گری که به قسمت های مختلف تولیدی روانه شدند متاسفانه در لیست کارگران خدماتی قرار گرفته و سختی کار به اینان تعلق نمی گیرد. گرفتاری های کارگران فقط به اینجا ختم نمی شود بلکه مدیریت ایسیکو فاقد شخصیت مدیریتی بوده و هزینه بیمه تکمیلی که از کارگران کم می کند اما در زمان پرداخت هزینه های درمانی کارگران تعطل کرده و کارگران سرگردان به دنبال پولشان هستند. دست آخر اینکه منابع انسانی ایران خودرو اعلام کرده تاکنون جذب نیرو نداشته ایم و تا آخر امسال هم احتمالن نخواهیم داشت که این به معنای فشار بیشتر بر روی کارگران است. ایران خودرو که شرکتی پولساز است با کارگرانش چنین می کند و ای به حال دیگر شرکت هایی که کمی مشکل مالی دارند و زیاد هم توی چشم نیستند

## ۲- ایمنی در ایران خودرو کم اهمیت است!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با آنکه مسوولین ایمنی ایران خودرو می دانند که بخش موتورسازی ۳ نسبت به آلودگی صوتی و آلودگی شیمیایی ایمن نیست اما از رفع این مشکل خودداری می کنند. تلاش مسوولین ایران خودرویی برای استفاده از فوم و لاستیک دور در برای کاهش صدا موفق نبوده است. همچنین

نصب فن های آگزاست هم تاحدی آلاینده گی را کم کرده است اما کافی نیست . برای رفع این موضوعات باید از کارشناسان خبره دعوت کرده و زیاد هم به هزینه حساس نبود تا این موضوع ناخوشایند برای کارگران این بخش رفع شود. موضوع صدا و آلاینده ها باعث خرابی اعصاب کارگران و بیماری های ریوی می شود.

### ۳- وضعیت ایران خودرو!

۱- به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، وضعیت شرکت از نظر میزان تولید عادی است ولی به دلیل سیاست دپو کردن محصولات در همه شعبات ایران خودرو به گونه ای است که نه تنها انبارها بلکه زمین های اختصاصی پارکینگ و حتا هیچ بلوار و خیابانی نیست که در کنار آن ماشین دپو نشده باشد. به نظر می رسد سیاست دپو ناشی از این سیاست است که قیمت نهایی دلار مشخص شود و پیش فروشها هم با توجه به نرخ شناور و رو به بالا بودن آن در این سیاست بی تأثیر نیست. پیش فروشها هم با زمان طولانی تر از همیشه تحویل داده می شوند. معلوم است در انتظار سود بیشتر هستند تا ثبات بازار ماشین ۲- تولید خودروهای داخلی همچنان بی توجه به کیفیت و با کسری بعضی قطعات صورت می گیرد تا آنجایی که دیدن خودروهای بدون چراغ و یا سپر و دپو کردن آنها به همان صورت، امری عادی است و جای تعجب نیست. بدون قطعات کامل هم تولید بدون وقفه ادامه دارد و شاید خود این موضوع نوعی سیاست باشد برای دپو کردن محصولات تولیدی. در این میان تولید خودروهای خارجی هم متوقف گردیده است. وضعیت کارگری هم به این شکل است که طبقه بندی مشاغل هم فقط برای ایران خودروی ها معنی دارد. در حالی که کارکنان پیمانکاری و شرکتهای وابسته مثل ایرانیان و ایدکو و مخصوصن ایدکو به هیچ عنوان رعایت نشده و در واقع به شکلی برده داری نوین است و مدیریت هم به این اجحافات به عمد چشم فرو بسته است. اما از همه مهمتر بازی با دلار در شرایط کنونی که سود افسانه ای برای شرکت ولی سه شیفتم کار کردن برای کارگران را دارد و از این میان سودها فقط به جیب مدیران شرکت می رود و کارگر را نصیبی نیست.

#### ۴- بی عرضگی مدیران ایران خودرو!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، بی مدیریتی در ایران خودرو بیداد می کند. برای مثال حق بیمه تکمیلی کارکنان ایران خودرو توسط بیمه خصوصی و با تایید مدیران ایران خودرو ۲۰ درصد افزایش یافته است، اما تعرفه های درمانی افزایشی نداشته است. به ویژه در هزینه های دندانپزشکی. در حقیقت سطح خدمات بیمه تکمیلی با مدیریت کودکانه ایران خودرو ۲۰ درصد کاهش پیدا کرده است. آفرین به این مدیریت. آخر سال هم به خاطر این بی عرضگی ها پاداش های نجومی می گیرند.

#### ۵- چرا سختی کار در ایران خودرو اجرا نمی شود؟؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، کارگرانی که در سالن بدنه سازی پژو پارس و در قسمت صندلی سازی کار می کنند، مدیریت آنان را جزو مشاغل سخت و زیان آور محسوب نکرده است. مدیریت در پاسخ کارگران این قسمت که خواستار اجرای قانون سخت و زیان آور در این قسمت هستند و سروصدا و آلودگی در آن موج می زند با پاسخ کودکانه مدیریت روبرو هستند که می گوید: «در کمیته سخت و زیان آور در مورد شما تناقض آرا وجود دارد» معلوم نیست این تناقض آرا بر مبنای قانون است یا نظرات غیر کارشناسی و سودورزانه. مدیریت با نپرداختن ۴ درصد سخت و زیان آور به تامین اجتماعی، سود خود را افزایش داده است و مرگ و معلولیت را به کارگران هدیه می دهد.

#### ۶- سودهای ایران خودرو کجا هزینه می شوند؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، تنها در یک صفره جویی یک میلیون یورویی در طراحی داخلی خط بدنه خودروی K ۱۳۲ توسط کارگران با هوش و سخت کوش به جیب ایران خودرو سرازیر شد. آیا مدیریت ایران خودرو هم به وظایفش در قبال وضعیت معیشتی و سلامتی کارگران به درستی عمل می کند؟ متأسفانه این چنین نیست و حتا مدیریت ایران خودرو از اجرای قوانین برای

کارگران شانه خالی می‌کند. برای نمونه کارگرانی که با پیمانکاران تعاونی خاص در خطوط تولید کار می‌کنند از مزایای سختی کار مانند همکارانشان در همین سالن برخوردار نیستند؟

## ۷- ایران خودرو از رسمی کردن کارگران می‌ترسد؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، مدیریت ایران خودرو حتما کارگرانی را که برایش ۱۸ سال خدمت کرده اند را هم رسمی نمی‌کند. به آنان گفته می‌شود: «تبدیل وضعیت استخدام رسمی هیچگونه مزیتی برایشان ندارد» سوال اینجاست که حتما اگر مزیتی هم ندارد اگر کارگری این خواسته را داشته باشد شما چرا مقاومت می‌کنید؟ در ضمن طبق قانون، کارگری که ۳ سال به طور مستمر در جایی کار کند، رسمیمحسوب می‌شود چه برسد به ۱۸ سال کار در یک مجموعه ای چون ایران خودرو. البته رسمی شدن هم مزایایی بسیاری دارد که در زمان بازنشستگی هم مستمری و هم مزایای پایان خدمت را برای دریافتی کارگران بالا خواهد برد.

◆ پرسش: آیا کارفرما هر وقت دلش خواست می‌تواند قرار داد کارگر را بهم زند و فسخ کند؟

□ پاسخ: ماده ۲۵ قانون کار بیان می‌دارد، هر گاه قرارداد کار برای مدت موقت و یا برای انجام کار معین، منعقد شده باشد هیچ یک از طرفین به تنهایی حق فسخ آن را ندارند؛ بنابراین قرارداد کار موقت برای کارگر و کارفرما لازم و غیر قابل فسخ می‌باشد. اما در قراردادهای کار دائم به استناد بند و ماده ۲۱ قانون کار، کارگر می‌تواند با رعایت قانون کار، استعفا دهد. به عبارت دیگر از ماده ۲۵ قانون کار چنین استنباط می‌شود که بند و ماده ۲۱ قانون کار که استعفای کارگر را از طرق خاتمه قرارداد کار دانسته است، ناظر به قرارداد دائم است و در قراردادهای موقت، استعفا باید از سوی کارفرما پذیرش شود تا قرارداد کار منحل گردد؛ بنابراین قرارداد کار موقت، لازم و قرارداد کار دائم نسبت به کارفرما لازم و نسبت به کارگر، جایز است.



## اعتصاب در شرکت پارس آمپول ساوه!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، ۲۰۰ کارگر شرکت پارس آمپول کارگران دومین روز اعتصاب و اعتراض خود را امروز ۲۴ شهریور از سر می گذرانند. شروع این اعتراضات از دو ماه قبل آغاز شده بود زمانی که کارفرما بدلیل مشکلات مالی از گرفتن نیرو برای تولید دارو سر باز زد. قبل از آن در خط تولید روی هر دستگاه ۱ اپراتور مشغول به کار بود اما به مرور به ۲ دستگاه و نهایتاً ۴ دستگاه توسط یک کارگر اپراتور رسید. با شروع فصل گرما و مناسب نبودن هواسازهای خنک کننده سالن تولید، اعتراض کارگران آغاز شد که کارفرما قبول کرد که اپراتور روی ۳ و در ادامه روی ۲ دستگاه کار کند که این اقدام کمی دیر انجام گرفت و کارگران خواسته های دیگری را نیز به میان آوردند از جمله کم بودن دستمزد و افزایش آن. این بار کارفرما زیر بار نرفت و دستور داد که کارگرانی که معترض هستند را اخراج کنند تا درس عبرتی برای دیگران شود. در حال حاضر به خواسته کارگران درخواست دیگری نیز اضافه شده است و آن بازگشت فوری ۱۱ کارگر اخراجی به کار است که برای افزایش دستمزد تلاش می کردند. خواسته های کارگران اعتصابی شرکت پارس آمپول عبارت است از: ۱- بازگشت فوری کارگران اخراجی ۲- افزایش حقوق ماهیانه آنان. ۳- بوجود آوردن شرایط مناسب برای کارکردن در تولید هر اپراتور یک دستگاه مانند گذشته.

قابل ذکر است که بدلیل مدیریت غلط در همان اوایل کار توسط مدیران ارشد و بی توجهی به خواسته به حق کارگران اکنون حل این مشکل کوچک برای مدیریت سخت شده است و بیشتر به لجبازی مدیران ارشد با کارگران کشیده است.

امیدواریم با متانت و صبر و درایت و اتحاد کارگران، مدیران ارشد نیز دست از لجبازی بردارند و رفاه کارگران را مد نظر داشته باشند.

## پیروزی کارگران پارس آمپول شادباش!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، اعتصاب ۲۴ شهریورماه ۲۰۰ کارگران پارس آمپول ساوه با موفقیت به پایان رسید. این اعتصاب که سه روز ادامه داشت، در نهایت با مذاکره با کارفرما در روز ۲۸ شهریور به نتیجه نهایی رسید. در این مذاکره جناب آقای مهندس حیدرعلی، مدیر منابع اداری، منابع انسانی شرکت سحر مشتاقی و مدیر کارخانه آقای دکتر زنجانی توافق با نمایندگان کارگران را انجام دادند. توافق با کارگران:

۱- کارگران به سرکار باز گردند و تولید را مانند گذشته ادامه دهند.

۲- کارفرما نیز موظف شده است که ۲۰ درصد به حقوق کارگران اضافه نماید

۳- ۱۰ نماینده کارگران که اخراج شده بودند به سرکار بازگردند

اتحاد کارگران و حمایت بی دریغ از نمایندگان اخراجی و اعتصاب ۳ روزه به کارگران نشان داد که می توان به نیرو و اتحاد خود ایمان داشت و پیروز گشت.



## وضعیت نابسامان کرونایی در واحدهای تولیدی!



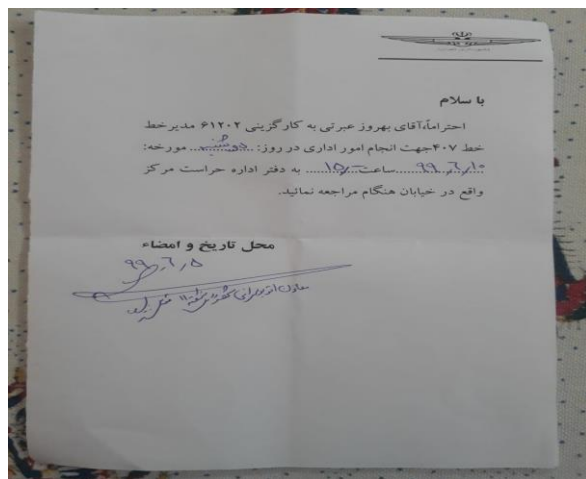
به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، تست کرونا در شرکت بشکه سازی چلیک واقع در ساوه در روز ۲۴ شهریور بر روی همه کارکنان انجام گرفت. به درخواست کارگران، کارفرمای این کارخانه به دلیل شیوع و گسترش بیماری در ساوه تصمیم به تست کرونا گرفت و هزینه آن را نیز متقبل شد هر چند جواب آزمایش کارگران تا چند روزی طول می کشد اما وضعیت در شهر ساوه نگران کننده است.

## بی خیالی مسوولان و یکه تازی کرونا!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، از وضعیت کرونا در ساوه در پیک سوم آن: با توجه به شروع پیک سوم کرونا در جهان و در ایران تدابیر لازم برای مبارزه جدی با آن در شهر ساوه متناسب با شرایط جدید، گرفته نشده است و بیشتر از طرف مسوولان به توصیه های بهداشتی بسنده شده است. چرایی اینکار مشخص نیست. پرسش این است: چرا مسوولان شهر ساوه، مانند اواخر اسفند و اوایل فروردین شهر را ضد عفونی نمی نمایند؟ چرا رفت و آمد در شهر را مانند گذشته کنترل نمی کنند؟ چرا مانند گذشته با بلندگو در شهر جار نمی زنند و مردم را به زدن ماسک تشویق نمی کنند؟ چرا نهادهای مردمی و مدنی مانند اوایل فروردین آستین بالا نمی زنند و دست از نظارت و خدمات دهی کشیده و یا کم کرده اند؟ آیا مگر این بیماری کمتر شده و یا این بیماری کنترل شده است؟ باید در جواب بگوئیم نه. پس چرا مسوولان و نهادهای مدنی مانند گذشته خدمات نمی دهند؟ چرا در کارخانه های شهر صنعتی مبارزه با کرونا دیگر جدی گرفته نمی شود؟ چرا در کارخانه هایی که امکان دورکاری وجود دارد آن را لغو نموده اند. بطور مثال در کارخانه تولید دارو دور کاری پرسنل از اول مهر لغو شده است.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ساوه مصرانه از مسوولان و نهادهای مدنی شهر می خواهد که امر مبارزه با بیماری کرونا را در پیک سوم آن جدی گرفته و مانند گذشته به وظایف خود عمل نمایند تنها با همکاری و اتحاد همه ما قادر خواهیم بود کرونا را شکست دهیم.

## اخبار کارگری شرکت واحد به نقل از کانال تلگرامی سندیکای واحد



### ۱- تهدید و فشار مدیریت و حراست بر کارگران معترض شرکت واحد

مدیریت ناکارآمد شرکت واحد اتوبوسرانی تهران پس از اعتراضات ماههای گذشته رانندگان و کارگران نسبت به تاخیر در پرداخت حقوق، بجای رسیدگی به خواسته بحق کارگران و پرداخت سر وقت حقوق، رانندگان و کارگران معترض را با تغییر جغرافیایی محل کارشان و تغییر شیفت کاریشان همچنین احضارشان به حراست تحت فشار قرار

می‌دهند تا در اعتراضات آتی شرکت نکنند. همکار زحمت‌کش بهروز عبرتی که محل کارش در میدان جمهوری بود در همین راستا محل کارش به میدان بهارستان تغییر یافته و پس از حدود چهار سال شیفت ثابت صبح شیفت کارش عصر شده همچنین از طرف حراست احضار و تهدید شده است. اما این همکار به حراست گفته اعتراض به تاخیر در پرداخت حقوق حق‌مان بوده است و اگر می‌خواهید اعتراضی نباشد حق کارگران را پرداخت کنید. سندیکا تهدید و فشار بر رانندگان و کارگران شرکت واحد را که به دلیل شرکت در اعتراضات صورت می‌گیرد قویا محکوم می‌کند و اعلام می‌دارد مدیریت مسنول عواقب ناشی از این سوءرفتارها در مورد کارگران خواهد بود.

۲- اعتراضات و پیگیری‌های کارگران، بازنگری طرح طبقه‌بندی مشاغل در شرکت واحد را در آستانه اجرا قرار داده است

بازنگری طرح طبقه‌بندی مشاغل که منجر به افزایش حقوق قابل ملاحظه کارگران می‌گردد، در شرکت واحد اتوبوسرانی تهران آخرین مرتبه در سال ۸۵، متعاقب اعتصابات و اعتراضات بازنگری شد که حقوق کارگران نسبت به قبل از بازنگری طرح، بسیار افزایش یافت. برابر مقررات طرح طبقه بندی مشاغل هر پنج سال یکبار باید بازنگری گردد اما مدیران همواره به دلیل افزایش حقوق کارگران از بازنگری در طرح طبقه‌بندی مشاغل امتناع می‌کنند. کارگران شرکت واحد در سه سال گذشته با هماهنگی سندیکا اعتراضاتی را نسبت به عدم بازنگری در طرح طبقه‌بندی مشاغل انجام داده‌اند که اکنون بازنگری در طرح در آستانه اجرا قرار گرفته است.

۳- رانندگان شرکت واحد از نظر تزریق واکسن آنفولانزا جزء اولویت‌ها هستند!

با شدت گرفتن شیوع بیماری کرونا در کشور بخصوص در تهران و شروع فصل پانیز و شیوع بیماری آنفولانزا، رانندگان شرکت واحد و بخش خصوصی که در ناوگان حمل و نقل تهران بزرگ و در تماس مستمر با شهروندان خدمت می‌کنند، بیشتر درخطر مبتلا شدن به بیماری آنفولانزا قرار دارند و به دلیل در هم‌آمیختگی علائم آنفولانزا و کرونا، لازم است رانندگان شرکت واحد و دیگر مشاغل در تماس مستمر با شهروندان در اولویت تزریق واکسن قرار گیرند. متأسفانه از آنجائیکه تهیه این واکسن برای عموم مردم براحتی قابل دسترس نیست از مدیرعامل شرکت واحد می‌خواهیم که برای این رانندگان

زحمتکش که با کمترین امکانات حفاظتی و بهداشتی بیشترین خدمات را در سطح شهر تهران به شهروندان می‌دهند و اکثراً در سنین بالا هستند، واکسن آنفولانزا را از وزارت بهداشت تهیه و به رانندگان تزریق شود.

## گزارش تجمع اعتراضی ۱۵ شهریور بازنشستگان تامین اجتماعی



راس ساعت ده صبح ۱۰۰ نفر که اکثریت بازنشستگان و مستمری بگیران شامل سه دسته الف) بازنشستگان شغل های سخت و زیان آور ب) بازنشستگان با سابقه کمتر از بیست سال که حداقل مستمری را هم نمی گیرند و وضعیت معیشتی بسیار بدی دارند ج) بازنشستگان از کار افتاده و معلول گرد هم آمدند. اعضای بازنشستگان بافنده سوزنی و فلزکار مکانیک فعالانه در این تظاهرات شرکت داشتند. گروه اول می‌گفتند که سالهای کار سخت و زیان آور آنها محاسبه نشده برای مثال بازنشسته ی ۳۵ سال سابقه ۲۳ سال سابقه محاسبه شده. گروه دوم به کل قضیه و سختی زندگی شان معترض بودند و معتقد بودند باید به همه به یکسان اضافه می شد. گروه سوم هم مثل گروه اول می گفتند ما

در اثر حادثه یا بیماری از کار افتاده شدیم و گرنه سی سال کار می کردیم و حق بیمه می دادیم به همین دلیل باید حداقل ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان (سی روز) را بگیریم. برخورد مامورین و لباس شخصی ها بسیار مودبانه بود. از تظاهرات جلوگیری جدی نکردند. تظاهرکنندگان نیز توجه داشتند که شعارشان مدنی و مطالبه گرانه باشد و ساختار شکنانه نباشد. دستگیری نداشتیم فقط پلاکارد ها را جمع کردند. حتی می خواستند موبایل یک نفر را ببرند که تظاهرکنندگان گفتند نامبرده خبرنگار است و او را داخل جمعیت کردند و مانع شدند. در ساعت ۱۱ ختم تظاهرات اعلام شد ولی تظاهرکنندگان نپذیرفتند و تظاهرات را به سمت در ورودی سازمان تامین اجتماعی شکل دادند با شعار سالاری سالاری پاسخگو پاسخگو. که حراست سازمان شتابان در ورودی را بست. عزم محکم تظاهرکنندگان باعث شد که انتظامات بگوید لطفاً داخل حیاط شوید و صبر کنید تا از مدیران سازمان برای پاسخگویی به شما بیایند که مردم اصرار داشتند خود سالاری باید بیاید و شعار می دادند: مدیر بی کفایت. استعفا. استعفا. سالاری سالاری. عدالت، عدالت.

بهر صورت بعد از دقایقی پر تنش، مردم پذیرفتند که در سالن اجتماعات تأمین اجتماعی جواب سوال ها را بگیرند. اما در داخل سالن توفانی بر پا بود. معترضان خشمگین حق خود را می خواستند. خانم حیدری مسئول مستمری ها و آقایان بیات (رییس کانون سراسری بازنشستگان) و اسدی یکی از مسئولان کانون سراسری برای جوابگویی حضور داشتند. مردم یک به یک خواسته های خود را می گفتند. برگزیده ای از خواسته ها را در ادامه می خوانید:

—خواهران و برادران، پدر من ۳۰ سال حق بیمه پرداخت، من هم ۳۰ سال و پسر من تا حالا ۱۲ سال بیمه پرداخت کرده و این یک صندوق بین النسلی است و طلبکاران شما کودکانی هستند که هنوز به دنیا نیامده اند. بنابراین شما حق ندارید سهام کارگران را در بورس بفروشید. ما خواهان شفافیت، اداره شورایی سازمان و حضور نمایندگان واقعی کارگران و بازنشستگان در هیات مدیره و بازرسی سازمان هستیم. مطالبات ما چیزی نیست که قابل حصول نباشد. ما خواستار رفع تبعیضات و همچنین اجرای قوانین به شرح ذیل می باشیم: ۱- اجرای صحیح ماده ۹۶ و افزایش پایه حقوق همه سطوح تا ۴۱

درصد مطابق تورم پایان سال ۱۳۹۸ ۲- اجرای ماده ۱۱۱ و ۴۴ در خصوص سایر مزایا، افزایش حق مسکن با توجه به اینکه قیمت مسکن بسیار افزایش یافته و کمک هزینه معیشتی و حق اولاد ۳- اجرای صحیح قانون الزام درمان مستقیم و نه بیمه تکمیلی ۴- اجرای صحیح و کامل همسان سازی حقوق بر اساس حق بیمه پرداختی و سنوات خدمت ۵- عمل کردن به ماده ۶۹ مصوب در سال ۱۳۸۷. ۷- عیدی بازنشستگان و مستمری بگیران هم برابر با عیدی شاغلین بایستی باشد. ۸- بازنشستگان سخت و زیان آور هر ماه ۴ درصد حقوقشان را بیش از دیگران حق بیمه پرداخت کرده‌اند ولی شمایان شخص ۳۰ سال سابقه را بیست سال سابقه محسوب کرده اید لازم است در محاسبات تجدید نظر کنید. ۹- در صورتیکه به خواسته های فوق ترتیب اثر داده نشود حق تجمع و اعتراض مجدد برای بازنشستگان محفوظ می‌باشد. یکی دیگر از بازنشستگان به بیات گفت شما نماینده ما نیستید. شما باید با بالاییها صحبت کنید نه با ما. وسط صحبت خانم حیدری عده ای به عنوان اعتراض جلسه را ترک کردند.

خانم حیدری شروع کرد به توضیح فرمول و اینکه یک سوم طلب دریافتی از دولت بودجه ی متناسب سازی بوده که معترضین از حقایق و وضع زندگی شان برایش تعریف کردند. آقای بیات پذیرفت که بازنشستگان کارهای سخت و زیان آور را فراموش کرده اند. یکی دیگر از بازنشستگان در سخنان مبسوطی خواهان اجرای قانون ساختار جامع تامین اجتماعی، جلوگیری از دزدی و غارت اموال تامین اجتماعی و انجام وظایف بیمه درمانی و نه به بیمه تکمیلی توسط تامین اجتماعی شد. این تجمع ساعت ۱ بعداز ظهر به پایان رسید.

## گزارشی از تجمع بازنشستگان تبریز

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، از ساعت ۱۰ صبح طبق فراخوان چند روز پیش جلو بیمه مرکزی (خیابان گلکار تبریز) به همراه بازنشسته هایی از داروسازی، سرم سازی و تراکتورسازی تجمع آغاز شد. بیشتر بازنشستگان با



خود بنر و پلاکارد آورده بودند که شعارها کم کم مورد توجه عابرین و مردم قرار گرفت. رفته رفته بازنشسته ها آمده و در مجموع ۲۰۰ نفری آمده بودند. اعتراض ها بالا گرفت تا اینکه از کارکنان سازمان تامین اجتماعی برای گفتگو آمدند. همه را به نمازخانه هدایت کردند. بازنشسته ها خواستار آمدن سمساری مدیرکل شدند. بعد از کش و قوس زیاد آمد و ابراز همدردی از مشکلات معیشتی بازنشستگان کرد و همه را به آرامش دعوت می نمود تا بالاخره راضی شد بدنبال نوشتن مطالبات خلاصه وار با امضای نمایندگان و خودش از طریق دبیرخانه شماره زده برای سالاری رییس تامین اجتماعی در اسرع وقت بفرستد. در این میان خبر رسید که بخشی از بازنشستگان جلو کانون بازنشستگان در بلوار منجم هم زمان تجمع کرده اند. بخشی از بازنشستگان به آنجا روانه شدند. در آنجا نیز کارمندان کانون دعوت به نشستن در سالن کانون کردند تا رییس کانون حاج کریم صادقزاده بیاید که همه گفتند ما بیرون منتظریم.

لذا با چند تماس تلفنی رییس در ساعت یک بعدازظهر رسید. حاج کریم صادقزاده از بازنشستگان خواست به سالن اجتماعات بروند. رییس گفت دل همه تان پر است بیایید پشت تریبون صحبت کنید که یک به یک بازنشستگان صحبت کردند. از عملکرد کانون در همه زمینه ها صحبت شد و اینکه اگر کانون نامه می نویسد و اقدام می کند متاسفانه پیگیری قاطعانه ای ندارند و غیره. همچنین انتخابات با چرخه همیشگی باند بازی اتفاق می افتد آیا شما با سن بالای ۶۵ چگونه چند پست مختلف را می گردانید در حالیکه جوانان مستعد در حد کارشناس بیکار ول معطلند؟ چرا به جوانان میدان نمی دهید؟ ایشان گفت انتخابات آزاد است بیایید شرکت کنید.

با بودن انتخابات من حق ندارم پشت این تریبون حتا صحبت کنم لذا موقع انتخابات به صحنه بیایید. پاسخ های حاج کریم قانع کننده نبود و کارگران سالن را ترک کردند. این تجمع ها در دو محل چنین بود. کلن نیروی انتظامی بدون دخالت، خواستار دادن شعارهای صنفی و معیشتی بودند که تشکر از رفتار آنها شد.

## تامین اجتماعی در اسناد سازمان ملل متحد

اصل ۵۵ منشور به سازمان ملل متحد مأموریت داده است تا برای ارتقای سطح زندگی و شرایط پیشرفت و توسعه اقتصادی و اجتماعی فعالیت کند. بر همین اساس سازمان در سال ۱۹۴۲ در سانتیاگو پایتخت شیلی کنفرانس بین المللی تامین اجتماعی را برگزار کرد و توصیه هایی به منظور تعمیم و توسعه تامین اجتماعی ارائه داد. در همین راستا- اعلامیه جهانی حقوق بشر که از ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ - از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد صادر شد در ماده ۲۲ خود اصلی را مقرر می دارد که بر طبق آن هر کس به عنوان عضوی از جامعه حق برخورداری از تامین اجتماعی را دارد. ماده ۲۳ این اعلامیه بر حق کار حق به دست آوردن درآمد منصفانه حق عضویت آزاد در سندیکاها و اتحادیه تاکید دارد. ماده ۲۵ اعلامیه نیز مقرر می دارد هر کس حق دارد از سطح زندگی مناسبی برای تامین بهداشت و رفاه خود و خانواده اش به ویژه از خوراک، پوشاک، مسکن، مراقبت های پزشکی و دیگر خدمات اجتماعی مناسب برخوردار باشد. همچنین به هنگام بیماری، بیکاری، طلاق و پیری یا دیگر شرایطی که فرد به عللی خارج از اراده انسان از وسایل امرار معاش محروم می شود باید از شرایط آبرومندانه زندگی برخوردار شود.

اصل ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی برخورداری از تامین اجتماعی از نظر بازنشستگی، پیری، بیکاری و از کارافتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی و حوادث و سوانح نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت ها از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت های مالی فوق را برای یکایک افراد کشور تامین کند.

پیش به سوی احیای سندیکاها و اتحادیه کارگری با هدف ارتقا بخشیدن به سطح زندگی عموم مردم و ریشه کن کردن فقر

بازنشستگان سندیکای بافنده سوزنی تهران

بازنشستگان فلزکارمکانیک

## وضعیت سهام شستا در بورس چگونه است؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با تمام تبلیغاتی که از سوی وزیر کار و مجموعه دولت در مورد سوددهی سهام ارایه شده شستا در بورس و به کارگیری این سود برای بهتر کردن وضعیت سازمان تامین اجتماعی امروز هم هدر سکوتی مرگبار فرو رفته اند و از این شیرین کاری و بر باد دادن اندوخته های کارگران حرفی نمی زنند. چرا هیچ اطلاعاتی در مورد وضعیت ۱۰ درصد سهام ارایه شستا در بورس از سوی مدیریت تامین اجتماعی و وزیرکار ارایه نمی شود؟ چرا نمی گویند چقدر این سهام سود داشته و چقدر زیان؟ فقط آقای رضوانی فر مدیرعامل شستا اعلام کرده اند: «در تاریخ ۲ و ۳ شهریور حدود ۱۲۰۰ میلیارد تومان از سهام شرکت های زیر مجموعه شستا را خریداری کرده اند تا این سهامداران زیاد ضرر نکنند»

چرا فروختید؟ چرا می خرید؟ چقدر زیان به ثروت زحمتکشان به دلیل این تصمیم اشتباه زده شده است؟ مسئولیت این زیان را چه کسی می پذیرد و چگونه وزیر کار و آقای سالاری این زیان را می خواهند جبران کنند؟ ما مدیر گرفته ایم که درست کار کند و سودی برای کارگران بیاورد و حقوق بگیرد نه اینکه ثروت ما را با تصمیم غلط خود بر باد دهد و باز هم حقوق بگیرد و روانه خانه اش شود.

کلیه کسانی که این تصمیم اشتباه را گرفته موظفند از اموال و دارایی های خود این زیان را به کارگران برگردانند.

«سوابق بیمه تان را بررسی کنید»

سامانه سوابق بیمه شدگان سازمان تامین اجتماعی بنشانی :

□ [www.tamin.ir](http://www.tamin.ir) □

این امکان را برای بیمه شدگان این سازمان ایجاد کرده تا از وضعیت بیمه پردازی خویش مطلع شوند و در صورت واریزنشدن حق بیمه از سوی کارفرما، مطلع شوند و آن را پیگیری کنند.

## نشریه امید منتشر شد!



فصلنامه امید شماره ۶ ویژه تابستان ۱۳۹۹، نشریه بازنشستگان فلزکارمکانیک در ایران به صورت چاپی و الکترونیکی منتشر شد. در این شماره می خوانیم:

- ۱- خودکشی پیرمردها زنگ خطر است
- ۲- بخشی از چالش های بیمه بازنشستگان
- ۳- نظام بازنشستگی در سوئد
- ۴- هدایت سازمان تامین اجتماعی به بازار بورس یا اقتصاد قمارخانه ای
- ۵- کنشگر باشیم
- ۶- شعر زیر خط فقر

## ایمنی موضوعی فراموش شده!



روز سه‌شنبه (۱۸ شهریورماه) در موقعیت عملیاتی استقرار دکل ۵۶ فتح در منطقه تنگ بیجار استان ایلام حادثه ای رخ داد و کارگر کریم سخیری، سکوبان دستگاه به شدت از ناحیه دست آسیب دید و همکار دیگریش نیز به طور جزئی دچار آسیب دیدگی گردید. هر دو کارگر بلافاصله به بیمارستانی در ایلام منتقل شدند. متاسفانه کارگر کریم سخیری بنا به پیشنهاد پزشکان باید دستش قطع شود که به دلیل نبود هواپیما، با آمبولانس برای ادامه درمان به بیمارستان سینای تهران اعزام شد. در تهران نیز پزشکان پس از بررسی‌ها هم نظر با پزشکان در ایلام، قطع عضو به علت شدت جراحت را پیشنهاد دادند و بیمار مورد عمل جراحی قرار گرفت و هم اکنون در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان تحت درمان است.

متاسفانه سالهاست موضوع ارتقا ایمنی از دستور کار شرکت‌ها خارج شده است که منجر به اینگونه حوادث ناگوار می‌گردد.

## نئولیبرالیسم و کشاورزی!



تقابل نئولیبرالیسم با تولید در عرصه کشاورزی و خصوصا در حوزه دستیابی به توسعه پایدار کشاورزی، بقولی رابطه کارد هست و پنییر است. در نگاهی به گذشته نه چندان دور در برهه ای که هنوز شور انقلابی و استقلال طلبی بر کشور حاکم بود، می دیدیم چگونه کشاورزی گامهای بلند به سوی تولید با کمیت و کیفیت برمی داشت و با شور انقلابی دستیابی به توسعه پایدار را در استراتژی خود نهفته و تسخیر بازارهای جهانی را به دلیل مازاد تولید در رؤس برنامه خود داشت و دولتها با واگذاری ادوات کشاورزی و تخصیص یارانه به تولیدات کشاورزی و خدمات کشاورزی و کمک در تهیه و تامین نهاده های اولیه تولیدات کشاورزی و در اختیار گذاشتن سم و کود و بذره های مختلف و نهالهای باغستان ووووو امیدواری را برای ایجاد کانالی برای حضور در بازار جهانی و به تاسی از آن ترفیع معیشت و سطح کیفی زندگی خانوارهای کشاورزی را هدف خود قرار داده بود.

اما غافل از اینکه سیاستهای اقتصادی نئولیبرالیسم که توسط دولت آقای هاشمی رفسنجانی استارت خورده بود و آقای روحانی آن را به کمال رسانده، برنامه

دیگری را برای تولید و اقتصاد کشاورزی طراحی مینمودند و عمده نگاه خود را به سمت سوق دادن کشاورزی به سمت خصوصی ساختن صفر تا صد امور کشاورزی و در اختیار اقتصاد بازار گذاشتن و سیطره بازار بر مراحل کاشت و داشت و برداشت و خدمات کشاورزی و نهاده های کشاورزی مانند سم و کود و بذر و ..... را طراحی می نمود و هرگونه نظارت دولتی بر تعیین قیمت محصولات کشاورزی و نظارت بر کیفیت و قیمت بذر را حذف نموده و دیگر از تراکتور و تیلر و بیل و چکمه و کود و سم دولتی خبری نشد و با الفاظ دهن پرکنی انعطاف پذیر ساختن اقتصاد کشاورزی کلاه گشادی را بر سر کشاورزی و کشاورزان گذاشت و کشت و صنعتهای بزرگ را در اختیار سرمایه داران و بخش خصوصی گذاشت و حمایت از کشاورز و کشاورزی تبدیل به خاطر خوش جهت بازگو نمودن به نسلهای آتی گشت.

اینگونه شد که امروز کشاورز بذر سیب زمینی را به قیمت هفت هزار تومان می خرد اما تولید خود را به قیمت ۲۵۰۰ تومان یعنی به قیمت سالهایی که دلار ۱۳۰۰ تومان بود در اختیار دلالان می گذارد و هزینه هر هکتار کشت سیب زمینی به بیش از ۴۰ میلیون افزایش یافته اما کل محصول یک هکتار کشت سیب زمینی کمتر از ۴۰ میلیون بفروش میرسد این همان اقتصاد غارتگر نئولیبرالیسم می باشد که در تمامی سکوه های تولید اعم از صنعت و کشاورزی و دامداری و ..... رواج دارد

## منوچهر سراج عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

□ آیا اگر کارگری یک بار از بیمه بیکاری استفاده کرد باردیگر هم میتواند درخواست نماید و از مزایا بیمه بیکاری استفاده نماید؟

پاسخ ✍️ محدودیتی در تعداد دفعات قابل استفاده از بیمه بیکاری وجود ندارد. حداکثر مدت استفاده از مقرری بیمه بیکاری با احتساب دوره های قبلی برای مجردین، ۳۶ ماه و برای متاهلین یا متکفلین، جمعا به مدت ۵۰ ماه است.

## گرانی و ارزانی

در اقتصاد بومی کشور ما دو مورد اصطلاح است: به نام ارزانی گرانی. متأسفانه حدود این دو اصطلاح مشخص نیست و به قول جامعه روشنفکری که کاری جز حرف زدن بلد نیست حدود این دو واژه تعریف نشده است یعنی معلوم نیست اگر قیمت کالایی چقدر بالا برود گران می شود و چقدر پایین بیاید ارزان می شود. مثل اینکه حدود این دو واژه از منهای نهایت (ارزانی) تا مثبت بی نهایت (گرانی) شامل می شود. اخیراً در طی یک دو هفته قیمت تخم مرغ از شانۀ ای هیجده هزار تومان به شانۀ ای سی و پنج هزار تومان افزایش پیدا کرد (گران شد) تا اینکه طی دو روز گذشته قیمت این محصول به شانۀ ای سی هزار تومان کاهش یافت (ارزان شد) نهادهای اقتصادی نیز درس خود را خوب یاد گرفته اند و دندانهای مردم را خوب شمرده اند ابتدا قیمت یک کالا را مثل تخم مرغ یا گوشت یا اتومبیل را بین صد درصد تا سیصد درصد افزایش میدهند و بعد همان افزایش یافته را بین پنج الی پانزده درصد کاهش می دهند و در بوق و کرنا اعلام می کنند که ارزان شد و مردم نیز شکر این نعمت ارزانی را به جا می آورند و برای خرید هجوم می برند و شکر نعمت می کنند.

### محمد تقی مطیعی بازنشسته فلزکار مکانیک

□ اگر فردی سابقه مشاغل سخت و زیان آور داشته باشد باز هم شرط سنی ۵۰ برای او صدق می کند یا کمتر می شود؟

پاسخ ✓ اگر بالای ۲۰ سال و بیشتر سابقه پرداخت حق بیمه در مشاغل سخت و زیان آور داشته باشد، شرط سنی حذف می شود.

بخش آموزش سندیکای کارگران فلزکار مکانیک



## تلخ و شیرینهای کازیم عاشقی

### درد دل با یک پزشک

چند روز پیش خدمت دوست دکترم رفتم. دفترچه بیمه مادرم را برده بودم تا چند قلم دارو فشار و مسکن برایش بنویسد. آخر وقت بود. دکتر می خواستند بروند. وقتی منو دیدند به ویزیت فروش گفتند. شما بروید من در و قفل می کنم. در و بستیم دو تایی نشستیم. پرسیدم چه خبر آقا دکتر اوضاع و احوال چطوره ??? نگاهی به صورتم کردند، خودکار دستش بود داشت روی کاغذی چیزهایی می نوشت تا اعصابش تنظیم شود. لحظه ای سکوت کردند. از نگاهش هزاران حرف می بارید. گفت: کازیم وقتی بچه بودم بیرون یک عده را می دیدم لباسهای کهنه و پاره پوشیده اند یا در کنار خیابان تنها نشسته اند، یا حنبالی می کنند، یا دست فروشی می کنند. گاهی کسانی را می دیدم گدایی می کنند. می آمدم خانه به پدر و مادرم می گفتم. که چرا؟ آنها آنطوری شده اند؟؟ همیشه برایم سوال بود. گاهی وقت از پدرم پول می گرفتم یا از خانه غذا برمی داشتم می بردم می دادم به آنها اینکار برایم خیلی آرامبخش و خوشحال کننده بود. همیشه آرزو می کردم قدرتی بدستم بیافتم تا بتوانم به فقیران و مظلومان کمک کنم و حقشان را از ظالمان بگیرم. در این مورد انشایی هم نوشته بودم هنوزم هم هست. تا اینکه بزرگ شدم. ملتها و دولتها احزابها و حاکمیتها را مطالعه کردم دانستم زور و ستم و جنایت و خرافات و..... در کل دنیا وجود دارد نه فقط کشور خودمان. بعد به این نتیجه رسیدیم که باید از خودم شروع کنم، اگر کاری هم بتوانم بکنم از خودم و شهرم شروع کنم. نشستم تمام رشته ها را بررسی کردم به این نتیجه رسیدم اگر پزشک شوم راحتتر می توانم به درد ملت برسم. با اینکه خیلی زحمت باید کشید اما هم درآمدش خوب است هم کسی نمی تواند بگوید چرا از فلان مریض پول نگرفتی و...

دوران درس و دانشگاه ما هم خورد به انقلاب با هزاران مشکل و تلاش توانستم به رشته مورد خواسته ام را بخوانم و به خواسته ام برسم. حالا در اینجا مشغولم و خیلی خوشحالم که بعضی از مریضی ها مرا انتخاب می کنند که دردشان را بگویند و امیدوارند که داروهایی که من خواهم نوشت بهبودشان خواهد کرد. بقول شاعر

بدو عالم ندهم لذت بیماری را

گر طبیبانه بیایی بسر بالینم

کازیم خیلی از همکارانم می گفتند: بابا بیا به محیط بزرگ اینجا مشهور نمی شوی و در آمدش کمه و...

اما من دنبال شهرت و مال و منال نبستم و نبودم. مرامم و خواسته ام چیز دیگریست. حالا خیلی خوشحالم که اختیار مطب دست خودم هست. با اینکه همیشه با مریضها روبرو هستم. هر کس می آید به مطب می گوید مریضم. اما باز من خیلی لذت می برم و خوشحالم و افتخار می کنم که می توانم گرهی از مشکلات همشهریانم را باز کنم. اما کازیم سالهای گذشته با اینکه باز مشکلات زیاد بود. اما طوری می سوختم و می ساختم. در این چند ماه دیگر تحمل برای این همه فشار و مشکلات زندگی نیست. وقتی مریضی می آید، اکثر مریضا مشکل اعصاب دارند و بیشترشان قند و چربی و فشار و درد کمر و پا. اما!!!!

کازیم وقتی مریضی می آید معاینه می کنم، نسخه می پیچم، وقتی داروخانه قیمت داروها را می گوید، زود می آید مطب منتظر می شود تا مریض برود زود وارد می شود می گوید آقا دکتر می شه تعداد قرصها را کم کنی ??? خیلی گران می شود. آخه. نمی دانم چه کنم.

می گویم: نه نمی شه برای مثال شما خیلی تشنه هستید اگر با فاشق آب بخورید چه می شه ?? باید حداقل یک لیوان بخوری.

یا وقتی برای مریضی آزمایش می نویسم دیگر بر نمی گردد. برای اینکه به علت هزینه گران آزمایش، اصلن به آزمایشگاه نمی رود. این مشکلات یکی دو تا نیست خیلی ناراحت کننده است. چاره ای هم نمی توانیم بکنیم. این مشکل را تمام پزشکان دارند. ایکاش برنامه هایی باشد تا مردم بخندند. خنده دواي خیلی درهاست. من خودم مطالب تو را می خوانم. دستت درد نکنه باز تو با این همه مشکل باز فرصت پیدا می کنی می نویسی.

دلم پر شد حیف وقت نبود منم حرفهایی برای گفتن داشتم.

کازیم عاشقی کارگر تراشکار

## کفش مشکی!



نشسته روی سکوی ورودی با آن لباس بلند ترکمنی‌اش. می‌پرسم: «پسرت رفت مدرسه؟» می‌گه: «دو روز در هفته باید بره. ولی یکی از هم کلاسیاش خبر برده مدرسه که شوهر خاله‌ش کرونا گرفته. امروز بچه‌ها تو کلاس راهش ندادن و مدیر هم گفته یه هفته نیاد. خیلی ناراحته که بچه‌ها راهش ندادن تو کلاس»

می‌گم: «بهش بگو مهم نیست این‌همه نرفته این یه هفته هم روش. اشکال داشت تو درساش بگو میام کمکش می‌کنم»

لبخند میشینه رو لبش، چشمای ریز ترکمنیش برق میزنه می‌گه: «خدا خیرت بده خانوم کمالی. راستی دیروز اون کفش مشکیه رو انداختین تو سطل آشغال من برداشتمش خوب بود؛ دستتون درد نکنه...» قلبم مچاله شد... چی شد که فکر کرد باید از من تشکر کنه، من که روحم خبر نداشت... امان! امان از دل‌های پاک این زنان ترکمن...

نسیم کمالی

## روایتی از دو خانواده‌ای که در یخچال و حمام زندگی می‌کنند!

کوچه‌ای را از میان فاضلاب‌های خانگی و پر از زباله طی کردیم. خانه محقر آن‌ها در انتهای کوچه بود. وارد خانه که شدیم، هدیه، حمامی در گوشه حیاط نشانم داد و گفت: «ما چهار نفری در این حمام زندگی می‌کنیم. به خاطر اینکه نتوانستیم اجاره خانه‌مان را بپردازیم، صاحب خانه ما را بیرون کرد و مجبور شدیم در حمام عمه‌ام ساکن شویم»

شرایط زندگی به نحوی بود که در داخل یک اتاق دو در دو که در واقع یک حمام بود؛ تمام وسایلشان را چیده بودند. شیرآلات و دوش حمام هنوز به دیوارها متصل بود و بوی نمی، که داخل فضا پیچیده بود شرایط تنفسی را به شدت مشکل کرده بود. پتویی به عنوان فرش پهن کرده بودند و بالش‌تک‌های کهنه و رنگ پریده‌ای در اطراف مشاهده می‌شد. خانواده چهار نفره هدیه در بیرون حمام با چیدن چند آجر، اجاق گازی برای خود درست کرده بودند. لباس‌هاشان به دیوار حیاط آویزان بود و به خاطر کوچک بودن فضا پدر و پسر خانواده در حیاط می‌خوابیدند. اما داستان این خانواده تنها به بی‌سرپناه بودن خلاصه نمی‌شد و بازهم ردپای اعتیاد که همراه با فقر، مهمان این زندگی‌های فراموش شده می‌شود را می‌توانستید در چهره آن‌ها ببینید. هدیه از مادرش و وضعیت اعتیاد او می‌گفت. «مادرم قبلاً درگیر اعتیاد بود و حالا گاهی تریاک می‌کشد. بعضی وقت‌ها هم شربت متادون می‌خورد. پدرم کارگر گچ‌کاریست و از زمانی که به خاطر دارم مواد مخدر سنتی مثل شیره و تریاک مصرف می‌کند» زمانی که داشتیم با هدیه صحبت می‌کردیم مادرش جلو آمد از او درباره پسر ۱۳ ساله‌اش پرسیدیم. «علیرضا کلاس هفتم است. از حدود دو، سه ماه پیش با یک نفر دوست شد و الان هروئین مصرف می‌کند. برای کمک به پسرم سعی کردیم شیره و تریاک را جایگزین هروئین کنیم»

با دیدن علیرضا متوجه شدیم که او نیازی جدی به درمان و مراقبت‌های پزشکی تحت نظارت کادر درمانی مجرب و مصرف داروهای خاص دارد تا از افیون اعتیاد، جان سالم به در ببرد.

کمی آن طرف‌تر از آن حمام‌نمور و تاریک خانواده چهار نفره، مردی به نام مجید همراه با همسرش در یک یخچال زندگی می‌کنند؛ یک یخچال ویتزینی در ورودی شهر سبزوار! همین یخچال‌های ویتزینی سوپرمارکت‌های شیک که پر از انواع نوشیدنی‌های عجیب و غریب و بسته‌های مواد غذایی مارک‌دار هستند. حالا شده سرپناه دو انسان! با خودم گفتم، شاید تمرینی برای خوابیدن درگور باشد. یخچالی در جلوی مغازه‌ای در ورودی شهر -واقع در میدان سرداران- کنار پمپ بنزین وجود داشت. مجید از یخچالی که درهای شیشه‌ای داشت، بیرون آمد و با ما شروع به صحبت کرد: «مدتی است به دلیل بیکاری و نداشتن سر پناه مجبور به زندگی در این یخچال بلااستفاده شدیم. یک طبقه وسایل شخص و مواد غذایی‌مان را گذاشته‌ایم و در طبقه پایین می‌خوابیم»

## مهر، ماه محبت و مهربانی است یا رنج‌کشنده نداری!

کارگران زن کهنوجی ساعت ۲ صبح از خواب بیدار میشوند کارهای خانه و آشپزی را انجام می‌دهند. ساعت ۳ راه می‌افتند تا ساعت ۵ صبح به مزرعه محل کارشان در جیرفت برسند و تا ۳ عصر کار میکنند و دوباره ساعت ۵ عصر به خانه میرسند.

۶ روز در هفته بدون قرارداد و بیمه و تنها برای غذا و خرید گوشی برای کودکانشان.

## نفرین زن مظلوم

رحمان باز چشم هایش را به دوردست دیوار دوخت و ادامه داد: چندسالی به همین منوال گذشت. تا این که روزی شنیدم خواهرم را به علت رابطه نامشروع دستگیر کرده اند. به ملاقاتش رفتم. دورچشم های نازنینش سیاهی بسته بود. لاغر شده بود مثل نی. گفت دروغه و سرش را انداخت پایین. گفتم آخر چیزی بگو، گفت از کوچه مرا زدیدند و به زور بردند و... دیناری پول در بساط نداشتم برایش وکیل بگیرم. از شرم و خجالت به همکارانم نیز چیزی نگفتم تا حداقل کمک کنند. موضوع کینه محلی بود و هر دو طرف بانفوذ. هم آن که خواهرم را زدیده بود و هم آن که لو داده بود. در بازجویی ناجوانمردانه خواهر ساده دلم را گول زده بودند. به او گفته بودند اگر رابطه با آن مرد را که خیلی جوانتر از شوهرش بود صراحتاً به گردن بگیرد، طلاقش را از شوهر پیرش خواهند گرفت و همسر آن مرد جوان خواهد شد. خواهرکم فریب چرب زبانی بازجو را خورده بود و هر آنچه را تلقین می کردند او هم از ترس طوطی وار تکرار می نمود. و سرانجام هم براساس همین اعترافات محکوم به سنگسار شد.

سالها می گذرد. اما قصه سنگسار آن زن هنوز هم همه جا ورد زبانها است. هر وقت منطقه دچار خشکسالی گردد یا گرانی مردم را به زحمت بیندازد و یا ... هر بلایی که نازل شود، می گویند. نفرین آن بی گناه که به آن صورت وحشیانه سنگسار و هلاک شد، دامن همه را گرفته است. همه، چه آن هایی که شاهد ماجرا بودند و چه آن هایی که اصلاً سنشان به آن قد نمی دهد از نفرین آن زن می گویند، که هیچگاه گریبان این دیار را رها نخواهد کرد. نمی دانم باور کنم یا نه؟ ولی اگر درنفرین حقیقتی وجود دارد پس کی دامن کثیف عاملین وحشی آن قتل فجیح را خواهد گرفت...؟

**صادق شکیب**

## امروز روز پزشک است!

دلم نمی خواهد نه تبریکی بگویم نه تیریکی بشنوم. تازه دیروز پی به جهل خویش برده ام. روز گذشته ماشینم را کمی دورتر از یک سوپر مارکت برای خرید پارک کردم. هنگامی که از ماشین پیاده شدم پسر بچه ی حدودا ۶ تا ۷ ساله ای بسته ی آدامس را برای فروش به طرفم گرفت. پول نقد همراه نداشتم و نخریدم. وارد سوپر مارکت شدم. پسرک رنگ پریده کمی کنار پیاده رو راه رفت و با هر عابری برای فروش آدامس ها صحبت کرد، کسی چیزی نخرید. رفت و روی لبه ی باغچه ی مقابل سوپر نشست. من که از داخل سوپر نظاره گر بودم با خودم گفتم یک کیک و ایمیوه برایش بخرم (چیزی که اغلب در ماشین برای کودکان کار می گذارم) در لحظه تصمیم دیگری گرفتم. پسرک را به داخل فروشگاه آوردم و گفتم: «هر چه دوست داری بردار به حساب من» گفت: «هر چی میخوام؟!» گفتم: «بله» رفت داخل ردیفها و چند دقیقه بعد برگشت. فکر می کنید چه برداشته بود؟؟؟! یک رب کوچک، یک روغن کوچک، نخود و لوبیا و سویا از هر کدام یک بسته! پنجه ی بغض آنچنان گلویم را فشرده بود که نتوانستم حرفی بزنم فقط رب و روغن را از دستش گرفتم و بزرگترش را برداشتم. همیشه فکر می کردم فقر را می شناسم و کودکی را! در نظر من رویاهای کودکانه همیشه قدرت داشتند و می اندیشیدم کودک همیشه کودک است! و رویاها و خواسته هایش از هر چیزی قوی تر! دیروز فهمیدم که لفظ کودکان کار چقدر نامناسب است. فقر خیلی زودتر از آنکه این فرشته های معصوم وارد دنیای کار شوند کودکی شان را بلعیده است! من گفته بودم هر چه دوست داری! و او مثل یک مرد نان آور فقط به مایحتاج اندیشیده بود! حتا لبهای کوچک خشک رنگ پریده اش را به یک آب میوه میهمان نکرد! گفتم: «بیشتر بردارم میتوانی ببری؟» پاسخش این بود: «من خیلی قوی هستم» راست می گفت خیلی قوی بود شاید هم فقر خیلی قوی بود! خیلی خیلی قوی تر از رویاها و خواسته های کودکانه. من یک پزشک این سرزمینم، آنچه از رنج و درد و غصه بود در این سالها از بیمارانم دیده و شنیده بودم! ولی در ذهن من رویای کودکی همیشه قوی و زنده بود که " در این قحط سال دمشقی " مرد و پژمرد! می خواهم به جای تهنیت نفرین بفرستم! نفرین و نفرین بر دستهای بزرگ و مغزهای تهی که این حجم از فقر و فلاکت و بدبختی را بر قلب بزرگ فرزندان کوچک سرزمینم " سرزمین شعر و عشق و آفتاب " تحمیل کرده اند.

## درسنامه (۵)

### ◆ حق سیاسی

سرمایه داری و نیروهای ضدمردمی مایلند مردم را در امور شخصی و گرفتاری های خانوادگی که ناشی از سیاست های آنان است غرق کنند. به آنها چنین تلقین می کنند: «سیاست تنها کار سیاستمداران بوده و پرداختن به امور سیاسی اصولن نکبت می آورد. دخالت در آن خطرناک است و لزومی ندارد که مردم از سیاست چیزی سر در بیاورند و درباره آن کنجکاوی کنند» نیروهای ضدمردمی کسانی را که در سیاست به قول آنها «فضولی» کنند به مجازات های شدید می رسانند.

هیچ کار شخصی و خانودگی وجود ندارد که سیاست آن را تحت تاثیر خود قرار ندهد. سیاستمداران ضدمردمی توطئه های خود را علیه مصالح یک جامعه می چینند و این جامعه است که سرانجام باید تاوان آن را پس بدهد. جنگها، بحران های اقتصادی و سیاسی، شورش ها، تورم، گرانی کمبود کالا، افت تولید، عدم داشتن مسکن مناسب، مشکلات آموزشی و درمانی، دشواری ترافیک و مسافرت و حتا امروز بیماری کرونا که به زندگی شخصی و خانوادگی ما زیان می رساند در «آشپزخانه سیاست های خاص» تدارک دیده می شود.

◆ اگر مردم از رموز و چم و خم سیاست سر در بیاورند و بتوانند دوست را از دشمن تشخیص بدهند و به موقع در برابر رویدادها واکنش نشان بدهند و زیر بار حرف غیرقانونی و زور نرفته و فریب سخن به ظاهر زیبا را نخورند، آنگاه به عاملی موثر در تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی خویش بدل خواهند شد.



سرمایه داری جهانی و ارتجاع چون نمی خواهند مردم از قمارهای سیاسی آنان مطلع شوند، تمام ابزارهای سیاسی مانند دولت، احزاب، مطبوعات و رسانه های گروهی، بنیادهای آموزشی و تبلیغاتی را تحت نظارت خود می گیرند. مردم باید به همه چیز سرگرم شوند تا از سیاست دور بوده تا اینان با خیالی آسوده نقشه های شوم خود را اجرا کنند. به همین دلیل هر چیزی که باعث رشد و آگاهی مردم شوند را نابود می کنند.

مردم هر کشوری باید درباره وضع سیاسی کشور خود و جهان تصور روشنی داشته باشند و از مسایل سیاسی ایران و جهان باخبر بوده و برای اینکار بتوانند سطح آگاهی و درک خود را بالا ببرند تا از جریان پیچیده سیاسی با خبر گردند.

این امری است که مطالعه زحمتکشان را می طلبد که ما هم در حد توانایی مان به این کار مشغولیم.

◆ امروزه به دلیل وجود اینترنت، دنیا به دهکده ای تبدیل شده است و رسانه های گروهی در عرض چند دقیقه ما را از رخدادهای نقاط مختلف جهان مطلع می سازند تا همه مردم جهان از کم و کیف امور یکدیگر با خبر باشند.

این کوچک شدن دنیا در اثر ارتباطات سریع، منجر به آن شده است که «تاثیر عامل خارجی» و «عامل داخلی» در رویدادهای هر جامعه ای بیش از پیش شده است. به طوریکه هیچ حادثه محلی نیست که انگیزه های ژرف آن در رویدادهای جهانی نباشد و یا هیچ رویداد محلی نیست که اثرات خود را در روند حوادث جهانی باقی نگذارد. رندهای حوادث محلی و ملی کشورهای مختلف درهم آمیخته به یک شط خروشان و جوشان مبدل می شوند.

اگر بخواهیم بدانیم که مابین عامل خارجی و عامل داخلی رویدادهای هر جامعه ای به عنوان انگیزه رویدادی تاریخی کدام مهمتر است، به طور عمده

باید گفت عامل داخلی. زیرا به هر جهت و در آخرین تحلیل این مردم یک کشورند که باید جلوگاه و منعکس کننده تاثیرات خارجی باشند.

درست است که عامل داخلی در مناسبات اجتماعی مهمتر است، اما نه در هر مورد خاص. مواردی می تواند نقش عامل خارجی قاطع تر باشد. مثلن در مورد سرنگونی محمدعلی شاه قاجار و محمدرضاپهلوی عامل داخلی یعنی مردم ایران نقش قاطع را ایفا کردند ولی در سرنگونی رضاخان در سال ۱۳۲۰ عامل جنگ دوم جهانی یعنی عامل خارجی نقش اصلی را بازی کرد. طبیعی است که حتا در این مورد آخر نیز نقش مردم زیاد است زیرا اگر به فرض محال مردم ایران و ارتش ایران این دیکتاتور خودکامه منفور را می پسندیدند و دوست داشتند حتا عامل نیرومندی چون جنگ جهانی نیز قادر نبود سرنگونش کند. اینکه سرنگونی او سهل و ساده و مثل آب خوردن انجام گرفت برای آن بود که ریشه ای نداشت. حتا سید یعقوب انوار وکیل مجلس ساختگی او نیز به محض رفتنش در مجلس گفت: «الخير فی ماوقع»

در کلیه حوادث سده های ۱۹ و ۲۰ ایران نقش بزرگ عامل خارجی بسیار مشهود است. در قتل قائم مقام، امیرکبیر، تغییر رژیم قاجار به پهلوی. اشتباه بزرگی است که با مطلق کردن عامل خارجی منظره را چنین مجسم کنیم که گویا مردم ایران تنها آلت سیاست های خارجی بوده اند. مردم ایران خود سازنده تاریخ خویشند منتها این کار در شرایط مشخص جهان انجام می گیرد که نمی تواند مهر و نشان خود را باقی نگذارد. در آخرین تحلیل، مردم معمار حوادث داخلی کشور و میهن خویشند. مردم در صورتی این کار را انجام می دهند که علاقمند و هوشیارانه در کوران حوادث خودخواسته قرار گیرند.



# پیر مردی موبایلشو برد تعمیر کنه

بعد از مدتی تعمیر کار او مد و گفت:

موبایلت سالمه پدر جان.

چیزش نیست.

پیر مرد با صدای غمگین گفت:

## پس چرا هیچکدوم از بچه هام زنگ نمیزنه!





حق همه‌است  
فهمید @TA1516

**دختران روستای کادوه (اطراف پل‌دختر) که برای  
گرم کردن کلاس درسشان هیزم می‌برند...**

تبلیت کلاس‌های شاد سواد آموزی آرزویی دست نیافتنی